

Andishe.e.Taqrib.42 Vol. 17, No. 3, Autumn 2022 P. 9-21	اندیشه تقریب ۴۲ سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، پیاپی ۴۲ ص ۹-۲۱
---	---

## نقش استعمار و استکبار جهانی در ترویج اندیشه و جریان تکفیر و افراطی‌گری در جهان اسلام

مصطفی اسکندری<sup>۱</sup>

### چکیده

با این‌که نقش استکبار در ترویج اندیشه تکفیر بر کسی پوشیده نیست، اما به لحاظ کارکرد اندیشه‌ای و شناسایی بنیان‌های تفکر تکفیری، هنوز ابهام‌هایی وجود دارد که تألیف مقاله حاضر را موجه ساخته است. در این مقاله پس از اشاره‌ای گذرا به ارزش انسان و جان او، ملاک مسلمانی و خطر تفرقه از دیدگاه اسلام، به نقش شیفتگان قدرت و سیاست‌مداران ماکیاولیست مسلمان در ایجاد تفکر تکفیری و افراط‌گرایی توجه می‌شود و در پایان انگیزه استکبار و استعمار در ترویج و توسعه تفکر تکفیری و افراط‌گرایی بررسی می‌شود. اهمیت موضوع از آن‌جا روشن می‌گردد که جهان امروز در پی ترویج اندیشه تکفیر و افراطی‌گری در میان مسلمانان، فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داده و در این راستا هزینه سنگینی بر جهان اسلام تحمیل کرد. از این‌رو بازشناسی نقش استعمار و انگیزه او نسبت به اقدامات صورت گرفته، تأثیر بسزایی در مواجهه صحیح و مقابله با آن دارد.

واژگان کلیدی: تکفیر، افراط‌گرایی، قدرت، استعمار، استکبار.

۱. استاد حوزه و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات تطبیقی علوم اسلامی وابسته به پژوهشگاه مطالعات تقریبی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

## مقدمه

اسلام دینی است که برای انسان و جان او ارزشی فوق العاده قائل است. شعار اسلام این است: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾، «هرکس شخصی را بی آن که کسی را کشته باشد یا فساد در زمین کرده باشد بکشد، مثل این است که همه مردم را کشته است؛ و هرکس شخصی را زنده بدارد، مثل این است که همه مردم را زنده داشته است.» (مائده (۵): ۳۲)

هم چنان که در شریعت اسلام، صرف اداء شهادتین برای مسلمان شدن، کافی است و کسی که نام مسلمان بر او صدق کند، جان و مالش مصون و محفوظ خواهد بود و کسی حق تعرض نسبت به او را ندارد. رسول خدا ﷺ خطاب به امیر مؤمنان علی رضی الله عنه فرمود: (قَاتِلُهُمْ حَتَّى يَشْهَدُوا) «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ مَنَعُوا مِنْكَ دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ، «با آنان بجنگ تا شهادت دهند معبودی جز خدای واحد نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداست. هرگاه چنین کردند، خون [جان] و اموال خود را محفوظ نموده اند.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۱).

دین اسلام چتر حقوقی خویش را به مسلمانان محدود نکرده است، بلکه آن را بر همه انسان ها گسترده است، از این رو امام علی رضی الله عنه در عهد خود به مالک اشتر می فرماید: (وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا صَارِيًا تَعْتَبَمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ)، «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن ها و لطف در حق ایشان را به دل خویش بفهمان، و برای آنان درنده ای خونخوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری، زیرا آنان دو گروهند یا برادر دینی تو هستند و یا در آفرینش همانند تو هستند.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۷).

از سوی دیگر اسلام دینی است که نه تنها بر وحدت و همدلی مسلمانان بلکه بر وحدت پیروان همه ادیان تأکید دارد. ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾، «بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سوی کلمه ای که میان ما و شما یکسان است.» (آل عمران (۳): ۶۴) و لذا مسلمانان را از تفرقه و نزاع بر حذر می دارد.

پیشوایان اسلام مسلمانان را از اختلاف و تفرقه منع نموده و فرموده اند: (إِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ)، «از تفرقه حذر کنید، زیرا انسان جدا شده از جمع، بهره شیطان است چنان که گوسفند تک رو، طعمه گرگ.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۴)، چون یکی از خطرناک ترین پیامدهای اختلاف ضعف و ناتوانی

است. خداوند می‌فرماید: ﴿لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾، «با هم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت شما از بین برود.» (انفال (۸): ۴۶).

بنا براین، هر گونه خدشه وارد کردن به امر وحدت مسلمانان و دمیدن در تنور نزاع و اختلاف، امری خلاف شرع، و قرار گرفتن در جبهه مقابل اسلام خواهد بود. اما برخلاف این همه تأکید، بخش‌های زیادی از جوامع اسلامی گرفتار نزاع و درگیری‌هایی هستند که در بسیاری از موارد همراه با خون و خون‌ریزی است. گروه‌های متعددی در جهان اسلام یافت می‌شوند که به جای همدلی و زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یک‌دیگر، به تفکیر هم روی آورده و تاب تحمل یک‌دیگر را ندارند.

البته مواجهه خشونت بار بین طوائف مختلف یک ملت و یا پیروان مذاهب و مشرب‌های مختلف یک دین و مکتب امری تازه نیست، بلکه سابقه‌ای طولانی بین ابناء بشر دارد. اما چنین امری از فرهنگ اسلامی دور و غیر قابل توجیه است، به خصوص که این پدیده در سه قرن اخیر در جهان اسلام گسترش و شدت قابل توجهی داشته است.

### پرش پژوهش

آیا این وضعیت امری طبیعی و معمولی است یا طرح و پروژه‌ای مهندسی شده و هدایت شده است؟ اگر یک طرح و پروژه است منشأ و بانی آن کیست؟

### فرضیه پژوهش

تفکر تکفیری در جهان اسلام مولود دست پلید سیاست غیر دینی است که پیدایش آن به تشنگان قدرت و سیاست‌مداران مستبد و به ظاهر مسلمان مستند می‌باشد، اما گسترش و شدت آن به خصوص در قرون اخیر، معلول سیاست‌های استکباری و استعماری است.

### روش پژوهش

این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی بهره می‌برد و اطلاعات را از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری می‌نماید.

### مفاهیم پژوهش

#### استعمار

استعمار کلمه‌ای عربی، و مشتق از «عمر» (ع م ر) است و دور ریشه دارد. یک ریشه آن بر

باقی بودن و امتداد در زمان دلالت دارد. واژه «عُمر» به معنای حیات و زندگانی، و واژه «عمارت» به معنای «آبادانی» نیز از همین ریشه مشتق شده‌اند. وقتی گفته می‌شود: «عَمَرَ النَّاسُ الْأَرْضَ عِمَارَةً»، یعنی مردم زمین را به خوبی آباد کردند.» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۴۰).

واژه «استعمار» نیز مشتق از «عمارت» است. استعمار، مصدر باب استفعال است که غرض معنوی از آن «طلب» است. (شرتونی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴). بنابراین هر جا در زبان عربی واژه «استعمار» استعمال شود، نوعی قصد یا طلب آبادانی در آن نهفته است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳۷). واژه استعمار بدین معنی دارای پیشینه‌ای طولانی در زبان عربی و یک اصطلاح قرآنی است. خداوند می‌فرماید: «هُوَ أَدْنَىٰ كُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ «او شما را از زمین پدید آورد، و آباد کردن آن را به شما سپرد.» (هود (۱۱): ۶۱).

طلب آبادانی کردن در «اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» وجود دارد، چه این فراز از آیه بدین معنی باشد که «آباد کردن زمین را به شما سپرد.» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۵۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۶). و چه بدین معنی که «شما را در زمین زندگانی داد، تا آن را آباد کنید» (ابن فارس، همان).

آباد کردن زمین یعنی درآوردن زمین به صورتی که بتوان از منافع آن بهره برد، مثل این‌که در آن کشت و زرع کرد یا خانه ساخت. بنابراین، استعمار بدین معناست که به دنبال آباد کردن زمین باشیم. در زبان فارسی نیز استعمار به معنای «طلب آبادانی» و «آبادانی خواستن» (معین، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۵۲) به کار رفته است و چیزی اضافه بر معنای عربی ندارد.

استعمار بدین معنی دارای معنایی ایجابی و حامل تکلیفی بر دوش انسان است که در آبادی زمین بکوشد.

اما در یکی دو قرن اخیر، در کتاب‌های لغت عربی و فارسی، استعمار به معنای «تسلط مملکتی قوی بر مملکتی ضعیف، با قصد استفاده از منابع طبیعی و ثروت کشور و نیروی انسانی افراد آن» (معلوف، ۱۹۷۳م، ص ۵۲۹) و یا «آباد کردن کشور به ظاهر، و غارت و چپاول آن در نهان» (معین، همان) به کار رفته است. روشن است که این معنی، تحت تأثیر اصطلاح سیاسی استعمار، وارد کتاب‌های لغت شده است. واژه استعمار، اما در ادبیات سیاسی، به معنی تسلط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملّتی نیرومند بر ملّتی ضعیف؛ و نگهداشتن آنان در وضعیتی وابسته، فرودست و عقب مانده است. (ر.ک. علیزاده، ۱۳۸۸ش، ص ۷۳-۷۶؛ آشوری، ۱۳۷۳ش، ص ۲۶-۳۰).

به تعبیر دیگر، استعمار جریانی است که از طریق آن ملتی قدرتمند، سلطه اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را بر جامعه یا ملتی ضعیف اعمال می‌کند. این جریان ممکن است همراه با نابودی بومیان جامعه یا بهره‌کشی از آنان و یا به کمک و شراکت بخشی از افراد آن جامعه صورت گیرد. (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۰).

واژه استعمار به معنایی که در ادبیات سیاسی به کار می‌رود، در زبان عربی دارای عمری نسبتاً کوتاه است و قبل از قرن نوزدهم میلادی سابقه‌ای از آن یافت نمی‌شود.

استعمار به معنای سیاسی به عنوان معادل واژه انگلیسی «کولونیالیزم» (Colonialism) به کار رفته، که از ریشه «کولونی» (Colony) گرفته شده است. اما در این معادل‌گزینی دقت لازم صورت نگرفته است، زیرا درست است که واژه «کولونیالیسیون» یا «کولونیالیزم» اشاره به مهاجرت کردن گروهی از مردم یک سرزمین و اقامت‌گزیدن آنان در سرزمینی دیگر به منظور آباد کردن آن دارد. (OXFORD Advanced Learner's DICTIONARY 1989-). همان، 1993:223؛ آشوری، همان)، اما این نوع مهاجرت‌ها و به دنبال آن ایجاد آبادانی، همراه با غصب سرزمین، و آواره کردن بومیان همراه بود، که خود در حقیقت نوعی ویرانگری است و نمی‌توان چنین پدیده ویرانگری را ایجاد آبادانی نامید.

به عبارت دیگر، استعمار بدین معنی پدیده‌ای ویرانگر، و استیلایی بهره‌کشانه است که بین آن و آبادگری نسبتی منفی وجود دارد و به هیچ عنوان نمی‌توان نام عمران و آبادانی بر آن نهاد، اما علت این‌که بر آن نام استعمار نهاده‌اند، این است که استعمارگران با ظاهر بشردوستی، صلح‌طلبی، آزادی، و به بهانه آباد کردن یک سرزمین وارد آن‌جا می‌شوند، اما هدف آنان چیزی جز اشغال یا سکونت دائمی، یا سیطره بر حیات اقتصادی و فرهنگی و غارت ثروت مردم آن سرزمین نیست.

#### استکبار

استکبار واژه‌ای قرآنی از ریشه «کبر» است و به معنای عظمت و بزرگی است. (ابن فارس، همان). استکبار مصدر باب استفعال است و در آن نوعی طلب ملحوظ است. استکبار بدین معناست: «اظهار بزرگی و کبر کند با آن‌که اهلیش نیست». (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۷۴)

این واژه بعد از انقلاب اسلامی وارد ادبیات سیاسی شده و مقصود از آن: «سلطه‌گری، سلطه‌جویی، و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اقلیتی زورگوی سودجو از خیل عظیمی از محرومان و مستضعفان است. همان چیزی که قرن‌ها در دنیا در حال وقوع است و برخی کشورهای

قدرتمند با اتکاء به قدرت خود منافع و دارایی‌های همه ملت‌های ضعیف را چپاول می‌کنند. از این‌رو به نظر می‌رسد، واژه قرآنی استکبار برای بیان معنای استعمار بسیار گویاتر است».

### تکفیر

واژه «تکفیر» مصدر باب تفعیل از کفر است. کفر در لغت به نقطه مقابل ایمان، نقطه مقابل شکر، عصیان و امتناع (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۵۶)، و پوشاندن نعمت (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۵۰) معنی شده است، اما ریشه اصلی آن همان «پوشاندن» است. کافر را بدین جهت کافر می‌گویند که حق را می‌پوشاند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۹۱)

کفر در اصطلاح فقهاء «انکار وجود و وحدانیت خدا، انکار نبوت حضرت ﷺ» (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۶۲)؛ «انکار یکی از ضروریات اسلام» (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۳۰) و در تعریفی دیگر «انکار بدیهیات اسلام است که به انکار رسالت حضرت محمد ﷺ بینجامد.» (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۴).

بنابراین، تکفیر به معنای «کافر شمردن دیگر» و «نسبت کفر به او دادن» است.

### افراط‌گرایی

افراط مشتق از «فرط» است. واژه «فرط» در عربی دارای یک ریشه است و بر «زدودن چیزی از جای خویش و دور کردنش از آن‌جا» دلالت دارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۹۰) ولی به معنای «کار و پاداش از پیش فرستاده شده» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۴۱۸) و «کوتاهی کردن در کار و ضایع نمودن آن تا وقت آن بگذرد.» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۴۸)، نیز به کار رفته است. اما افراط که مصدر باب افعال از این ریشه است به معنای «تجاوز کردن از حد و اندازه در کار» است. (ابن فارس، همان) در نقطه مقابل آن تقریب قرار دارد که به معنای کوتاهی کردن و کم گذاشتن در کار است.

افراط‌گرایی (Extremism) در اصطلاح، «اعتقاد به افکار و یا تصمیم‌های تندروانه» می‌باشد. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۹ش، ص ۲۳۴).

افراط‌گرایی، پدیده‌ای زاینده تعصب‌های خشک و بیرون رفتن از مسیر عقلانیت و جاده اعتدال است. نتیجه افراط‌گرایی گریز از شریعت خواهد بود.

### تکفیر و افراط‌گرایی در تاریخ

تکفیر و افراط‌گرایی را نمی‌توان پدیده‌هایی مختص به زمان، ملت، پیروان دین و مذهبی خاص

دانست، بلکه در همه ادوار تاریخ، اقوام و پیروان ادیان و مذاهب مختلف وجود داشته، اما در نوسان بوده‌اند. جهان اسلام نیز سالیان سال گرفتار این دو پدیده شده است. پدیده‌هایی که درگیری‌های خونینی را به دنبال داشته و خسارت‌های سنگین جانی و مالی را بر امت اسلامی تحمیل نموده‌اند.

### پیدایش تفکر تکفیری در میان مسلمانان

تفکر تکفیری و افراطی، در جهان اسلام جدید نیست و سابقه آن به نیمه اول قرن اول هجری می‌رسد. هرچند در اکثر موارد افراط‌گری زائیده تکفیر و یکی از نتایج آن است؛ اما در تاریخ اسلام قضیه بر عکس بود و این افراط‌گرایی بود که ابتدا رخ نمود و تکفیر را به دنبال داشت. ریشه این رخداد در تفکرات، اعمال، رفتار تشنگان و شیفتگان قدرت و سیاست‌بازان دغل‌باز و ماکیاویستی که سیاست و قدرت را پلی برای رسیدن به اهداف مادی و دنیایی خویش قرار دادند قابل جستجو است. این افراد بیشترین نقش را در تحریک مسلمانان بر علیه خلیفه سوم داشتند و مسبب واقعی قتل او بودند، ولی بعداً به خونخواهی همین قتل خود ساخته، برخاسته و جامعه اسلامی را گرفتار جنگ‌هایی خانمان سوز نمودند و زمینه درگیری میان ابناء امت اسلامی را فراهم آوردند و بستر شکل‌گیری گروهی مقدس‌مآب بی‌بصیرت و افراطی، به نام خوارج را فراهم نموده و در درون آن پدیده تکفیر را معماری کردند.

از دل جنگ صفین بود که مقدس‌مآبان فاقد بصیرت به یک‌باره در برابر خلیفه مسلمین قد علم کرده و خواهان آتش بس بی‌موقع شده و به دنبال آن مسأله حکمیت را بر خلیفه تحمیل نمودند و آنگاه که به نتیجه دلخواه نرسیدند، امری خطا، اما مباح را گناهی کبیره تلقی نمودند و نه تنها با این بدعت قناعت نکردند بلکه بدعتی دیگر بر آن افزوده و ارتکاب کبیره را نیز معیار و ملاکی برای کفر قلمداد کردند. عملی که بر خلاف سیره و سنت رسول الله ﷺ، بود. مولی امیر المؤمنین علی علیه السلام، در سخنی خطاب به خوارج، سیره پیامبر را این‌گونه بیان فرمودند: «وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجِمَ الزَّائِي الْمُحْصَنَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ وَرَثَهُ أَهْلُهُ وَقَتَلَ الْقَاتِلَ وَوَرَثَ مِيرَاثَهُ أَهْلُهُ وَقَطَعَ [بِدَا] السَّارِقَ وَجَلَدَ الزَّائِي غَيْرَ الْمُحْصَنِ ثُمَّ قَسَمَ عَلَيْهِمَا مِنَ الْفِيءِ وَنَكَحَا الْمُسْلِمَاتِ فَأَخَذَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص بَدْنُوهُمْ وَ أَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ وَ لَمْ يَمْنَعْهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يُخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ»؛ «و شما می‌دانید که پیامبر ﷺ زناکار دارای همسر را سنگسار می‌کرد، سپس بر جنازه‌اش نماز می‌خواند و ارث او را به اهلش می‌داد، قاتل را می‌کشت و ارث او را به زن و فرزندش می‌داد، دست سارق را قطع می‌کرد، و زناکار بدون همسر را تازیانه می‌زد، آن‌گاه قسمت هر دو را از غنیمت می‌پرداخت و زنان

مسلمان را به همسری می‌گرفتند. پیامبر ﷺ گناهکاران را به خاطر گناهشان مؤاخذه می‌کرد، و حق خدا را نسبت به آنان اجرا می‌نمود، ولی سهم اسلامی آنان را از آنان منع نمی‌کرد، و نام آنان را از دفتر مسلمانان حذف نمی‌نمود.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۴).

خوارچ، بر اساس تفکری موهوم و خلاف سیره و سنت پیامبر ﷺ، به یک‌باره خلیفه مسلمین را که «مولى الموحدين» و «مولى المتقين» لقب داشت، و بخش وسیعی از مسلمانان را کافر تلقی نمودند و تصفیه‌های خوینی را در جامعه اسلامی به راه انداختند. این وضعیت با نوساناتی که داشت در ادوار بعدی تاریخ اسلام ادامه یافت. هرگاه روابط بین فرق مسلمان به سمت تحمل یک‌دیگر پیش می‌رفت و زمینه یک زندگی مسالمت‌آمیز فراهم می‌گردید، فردی پیدا می‌شد که آتش بیار معرکه شده و بر تنور بی‌تحملی می‌دمید. بنابراین، تکفیر و افراط‌گرایی در تاریخ اسلام مولود سیاست شیفتگان قدرت و سیاست‌بازان مکار است.

#### استعمار، تکفیر و افراط‌گرایی

از قرن ۱۲ هجری (قرن ۱۷ میلادی) با وقوع انقلاب صنعتی اول زندگی بشر وارد مرحله جدید شد. انقلاب صنعتی امکاناتی را در اختیار بشر قرار داد که او را قادر به سفرهای دریایی طولانی و کشف مناطق مختلف جهان نمود و این دنیای غرب بود که از این امکانات بیشترین بهره را برد. دنیای غرب با استفاده از امکانات مذکور، هم‌خویش بر غارت جهان گذاشت و استعمار و آبادانی دیگر مناطق را بهانه این کار کرد. اما در اکثر نقاط جهان اسلام با مقاومت مردمی روبرو شد و مسلمانان را مانند سدی نفوذ ناپذیر در مقابل خود یافت. از اینجا بود که استعمارگران به فکر تضعیف مسلمانان افتادند و بهترین راه تضعیف آنان را در ایجاد اختلاف و درگیری بین مسلمانان دیدند. بر همین اساس بود که سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» به اصل راهبردی استعمارگران تبدیل شد.

#### شیوه‌های استعمار در اختلاف افکنی

استعمارگران در هر زمان با توسل به حیل‌های مناسب به ایجاد اختلاف می‌پردازند. در برخی مناطق بین طرفداران ادیان مختلف و در مناطقی بین طرفداران یک دین و گاهی بین ملیت‌ها و نژادهای مختلف تفرقه می‌اندازند. آنان سعی می‌کنند علل و عوامل پایداری را برای ایجاد اختلاف بیابند، آنان در هند برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان با هندوهای افراطی از مسجد بابر به عنوان عامل تفرقه استفاده کردند و به خاطر آن درگیری‌های خوینی در میان مسلمانان



و هندوها ایجاد کردند به نحوی که در سال ۱۹۴۷ میلادی ۴۷۲۰۰۰ نفر از مسلمانان در این درگیری‌ها کشته شدند. (گلی زواره، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۹۹).

آنان در سال ۱۹۹۰ میلادی با انتشار کتاب «اشتباهات بزرگ در تحقیقات تاریخی در هند» با موضوع اهانت به اسلام و ساحت مقدس پیامبر اسلام ﷺ عامل دیگری جهت تشدید اختلاف میان مسلمانان و هندوها شدند.

از شیوه‌های دیگری که برای ایجاد اختلاف بین مردم یک منطقه استفاده می‌کنند، ایجاد دشمنی بین آنان است. این همان شیوه‌ای است که ابلیس بدان تمسک می‌جوید. خداوند به آدمیان چنین هشدار داده است که: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾؛ «شیطان فقط می‌خواهد میان شما دشمنی و کینه پدید آورد.» (مانده (۵): ۹۱) و در هشدار دیگری می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾؛ «به راستی که شیطان میان آنان آشوب و دشمنی می‌افکند. به یقین، شیطان برای انسان دشمنی آشکار است.» (اسراء (۱۷): ۵۳)

#### تکفیر راهی مؤثر در ایجاد دشمنی

تکفیر و افراط‌گرایی از مؤثرترین راه‌ها برای ایجاد دشمنی، میان مسلمانان است و به همین جهت است این مسأله در قرون اخیر به راهبردی برای سران استکبار و استعمار تبدیل شده است. تجربه موفق ایجاد وهابیت و نقش آن در تکفیر مسلمانان و ایجاد جنگ و خون‌ریزی در میان آنان، استعمارگران را به این کار مصمم‌تر نمود. در سال ۱۱۵۸ هجری قمری، با پیمانی شوم، میان محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود (ر.ک: الحقیل، ۱۴۱۹ق، ص ۵۶-۵۹)، مذهب وهابیت منعقد شد. این دو نفر از یهود دونه‌هستند (ر.ک: السعید، بی‌تا، ص ۱۴-۲۰)؛ مورد حمایت دولت استعمارگر انگلیس قرار گرفتند (فیلپی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۸)، همه دوران حیات خویش به عاملی جهت ترویج و ترویج افراط‌گرایی و کشت و کشتار مسلمانان تبدیل شدند. (ر.ک: زینی دهلان، بی‌تا، صص ۱۱ تا ۱۸)

#### انگیزه استعمار

سران استکبار و استعمار برای ایجاد گروه‌های تکفیری و افراطی، انگیزه‌های مختلفی دارند. آنان گاهی برای مقابله با دشمن مشترک دست به چنین اقدامی می‌زنند، همان‌طور که در ایجاد گروه‌هایی مانند القاعده و طالبان اتفاق افتاد. هیلاری کلینتون وزیر خارجه دولت اول اوباما، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «CNN» که فیلم آن در شبکه آپارات موجود است (<http://www.aparat.com/v/sGjrN>)، اعتراف نمود، که آمریکا و عربستان برای مقابله با

شوروی در زمان اشغال افغانستان، دست به تشکیل گروه القاعده زدند.

گاهی نیز انگیزه استعمارگران، ایجاد گروه‌های تکفیری و افراطی، مقابله با دشمن خود، یا تضعیف آن است. برای مثال، تلاش‌های آمریکا برای تشکیل «ناتوی عربی» با چنین انگیزه‌ای صورت می‌گیرد. در اوائل اسفندماه سال ۱۳۹۵ در خبرها آمده بود: «دولت دونالد ترامپ مشغول مذاکره برای تشکیل بلوکی همانند «ناتو» از کشورهای سنی‌مذهب خاورمیانه است تا با ایالات متحده و اسرائیل تبادل اطلاعات امنیتی داشته باشد و در مقابل تهدید رو به گسترش جمهوری اسلامی، بایستد. گویا قرار است کشورهای عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، قطر، اردن و شاید کویت در این ائتلاف شرکت داشته باشند. اسرائیل و آمریکا در آن شرکت ندارند اما هردو از ائتلاف نظامی حمایت کرده و به آن اطلاعات نظامی خواهند داد.»

(<https://www.radiozamaneh.com/326143>).

در قرن‌های اخیر موارد زیادی را می‌توان یافت که کشورهای استعمارگر گروهی افراطی را حمایت کردند تا از آنان در برابر دشمن بزرگتر بهره ببرند. نمونه‌ای از این قضیه حمایت سازمان سیا از گروه تندرو «ساکارت اسلام» برای مقابله با «احمد سوکارنو» در اندونزی، و استفاده از گروه «جماعت اسلامی» در برابر ذوالفقار علی بوتو در پاکستان است.

نمونه دیگر، اقدام آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع عرب، در تشکیل گروه تروریستی داعش با هدف براندازی حکومت قانونی سوریه و حذف این کشور از جبهه مقاومت بر ضد رژیم اشغال‌گر قدس بود، اما این گروه از خط قرمز کشورهای غربی عبور نمود و همین امر موجب گردید تا قدرت‌های غربی به ظاهر در مقابل داعش قرار گیرند اما در واقعیت آنان هیچ اقدام موثر علیه داعش انجام ندادند. از جمله مستندات موجود در این زمینه سخنان جنجالی دونالد ترامپ در مبارزات انتخاباتی است. دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا گفت: «باراک اوباما و هیلاری کلینتون مشترکاً بنیان‌گذار داعش هستند.»

([www.bbc.com/persian/world/2016/08/160811\\_145\\_trump\\_obama\\_us2016\\_isis](http://www.bbc.com/persian/world/2016/08/160811_145_trump_obama_us2016_isis))

جالب است که در پنجم نوامبر ۲۰۱۷ (تقریباً یک سال بعد از آن‌که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در مناظره انتخاباتی خود با کلینتون، او را به تاسیس داعش و حمایت از آن‌ها متهم کرد)، ارتش سوریه، در دیرالزور در شرق سوریه، به انبارهای تسلیحاتی ساخت آمریکا دست یافت. این ادعا تا پیش از آن، همواره تکذیب می‌شد، اما پیدا شدن سلاح‌های ساخت

آمریکایی فرضیه دست داشتن باراک اوباما و کلینتون را در بنیان‌گذاری داعش، اثبات کرد.

(<https://www.iribnews.ir/fa/news/2570034>)

همچنین «رند پال» سناتور جمهوری خواه، در مصاحبه با «CNN» اعتراف کرد که آمریکا و عربستان سعودی به گروه‌های تروریستی مانند داعش و القاعده کمک می‌کرد و به آن‌ها سلاح می‌رساند.

(<https://edition.cnn.com/2014/12/04/us/rand-paul-fast-facts/index.html>)

شاهد دیگر از نقش استعمارگران در ترویج تفکرات تکفیری و افراطی، تحت حمایت گرفتن صاحبان این نوع تفکر است. برای مثال، شخصی پاکستانی به نام «آصف رضا علوی» که ساکن انگلستان است، طی سفری به پاکستان در چهارم محرم الحرام ۱۴۴۲ هجری قمری، در یک خطابه ماجرای فدک و حضرت زهرا علیها السلام را به میان می‌کشد و منکرین حق فدک را کافر و خارج از دین قلمداد می‌کند، او با این اقدام، اوضاع اسلام آباد را به هم می‌ریزد، و شبانه‌نه از اسلام آباد، بلکه از پاکستان خارج شده و بدون رعایت هیچ تشریفاتی در ضوابط همه‌گیری کرونا، وارد لندن می‌شود و کسی نیز مانع او نمی‌شود. (رضوی، <https://www.hawzahnews.com/news/919695>) نمونه دیگر، حمایت کشورهای استعمارگر از افراط‌گری‌های فرقه شیعیان انگلیسی است که تمام رسانه‌های آنان از طریق این قدرت‌ها حمایت شده و پیوسته افکار تفرقه‌انگیز و افراطی را به جامعه اسلامی تزریق می‌نمایند.

گاهی نیز انگیزه استعمارگران، از ترویج تفکر افراطی و تکفیری دامن زدن به اسلام‌هراسی در بین جوامع غیر مسلمان است. استعمارگران از این طریق چهره‌ای بی‌رحم، خشن، غیر انسانی، و دور از منطق و عقلانیت از اسلام و مسلمانی ارائه می‌دهند تا هراسی در دل کسانی بیندازند که نسبت به این دین علاقه‌مند شده و بدان گرایش پیدا کرده‌اند. به تعبیر دیگر «دیو ساختن از مسلمانان» برای غیر مسلمانان علاقمند به اسلام، یکی از اهداف اصلی دامن زدن به ایجاد و ترویج تفکر افراط‌گرایانه و تکفیری است.

### نتیجه

با در نظر گرفتن مطالب مطرح شده، روشن است که تکفیر مسلمانان و افراط‌گیری، امری بر خلاف شریعت اسلامی است که پیدایش آن در تاریخ اسلام به شیفتگان قدرت منتسب است که داعیه مسلمانی داشتند، اما منشأ و بانی ترویج و توسعه آن استعمارگران هستند که با انگیزه از پادآوردن مسلمانان و ایجاد اسلامی‌هراسی در میان پیروان دیگر ادیان و مکاتب، به آن دامن می‌زنند.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

١. ابن فارس، احمد بن زكريا، (١٤٠٤ق)، معجم مقاييس اللغة، تصحيح و تحقيق عبدالسلام محمد هارون، چاپ ١، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
٢. ايرواني، علي بن عبدالحسين نجفي، (١٤٠٦ق)، حاشية المكاسب، چاپ ١، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
٣. آشوري، داريوش، (١٣٧٣ هـ ش)، دانش نامه سياسي (فرهنگ اصطلاحات و مكتب هاي سياسي)، چاپ ٣، تهران، مرواريد.
٤. آقا بخشي، علي و افشاري راد، مينو، (١٣٨٩ هـ ش)، فرهنگ علوم سياسي، چاپ ١، ويرايش ششم، تهران، چاپار.
٥. بجنوردي، سيد حسن بن آقا بزرگ موسوي، (١٤١٩ق)، القواعد الفقهية، تحقيق و تصحيح مهدي مهريزي؛ محمد حسن درايي، چاپ ١، قم، الهادي.
٦. جوهری، اسماعيل بن حماد، (١٤١٠ق)، صحاح اللغة، تحقيق و تصحيح احمد عبد الغفور عطار، چاپ ١، بيروت، دار العلم للملايين.
٧. الحقييل، سليمان بن عبد الرحمن، (١٤١٩ق)، حياة الشيخ محمد بن عبد الوهاب و حقيقة دعوته، چاپ ١، رياض.
٨. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (١٤١٢ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقيق و تصحيح، صفوان عدنان داودي، چاپ ١، لبنان و سوريه، دار العلم و الدار الشامية.
٩. رشيد شرتوني، (١٤١٧ق)، مبادئ العربية، تنقيح و اعداد حميد محمدي، چاپ ٢، قم، دارالذکر.
١٠. زيني دحلان، احمد، (بي تا)، فتنة الوهابية، چاپ ١، طبع افست، استامبول، المكتبة الحقيقة.
١١. السعيد، ناصر، (بي تا)، تاريخ آل سعود، بي جا، منشورات اتحاد الشعب الجزيرة العربية.
١٢. شريف الرضي، محمد بن حسين، (١٤١٤ق)، تحقيق و تصحيح صبحي صالح، چاپ ١، قم، هجرت.

۱۳. شیخ طوسی، حمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، تحقیق و تصحیح، مؤسسة البعثة، چاپ ۱، قم، دار الثقافة.
۱۴. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، المحيط في اللغة، تصحیح و تحقیق محمد حسن آل یاسین، چاپ ۱، بیروت، عالم الكتاب.
۱۵. علیزاده، حسن، (۱۳۷۷ هـ ش)، فرهنگ خاص علوم سیاسی، چاپ ۱، بی‌جا، انتشارات روزنه.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، تصحیح و تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، چاپ ۲، قم، هجرت.
۱۷. فیلیبی، هری سنت جان بریجر، (۱۴۱۹ق)، بعثة الى نجد، ترجمه و تعلیق عبدالله صالح العثیمین، چاپ ۲، ریاض، مكتبة العبيكان.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، چاپ ۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. گلی زواره، غلامرضا، (۱۳۷۲ هـ ش)، سرزمین اسلام، چاپ ۱، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. معلوف الیسوعی، لوییس، (۱۹۷۳م)، المنجد في اللغة، چاپ ۲۱، بیروت، دار المشرق.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۷۱ هـ ش)، فرهنگ فارسی، چاپ ۸، تهران، امیر کبیر.
۲۲. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، (۱۴۱۷ق)، غنائم الأيام في مسائل الحلال والحرام، چاپ ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۳. رضوی، سرباز روح الله، گزارش واره‌ای از رخدادهای اخیر پاکستان، منتشر شده در:  
<https://www.hawzahnews.com/news/919695>
۲۴. ترامپ اوپاما و کلیتون را «بنیان‌گذاران داعش» خواند، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵ - ۱۱ اوت ۲۰۱۶، منتشر شده در:  
[https://www.bbc.com/persian/world/2016/08/160811\\_145\\_trump\\_obama\\_us2016\\_isis](https://www.bbc.com/persian/world/2016/08/160811_145_trump_obama_us2016_isis)
۲۵. نقش آمریکا در داعش و نسل چهارم جنگ‌ها، ۲۲ آبان ۱۳۹۸، منتشر شده در:  
<https://www.iribnews.ir/fa/news/2570034>
- OXFORD Advanced Learner's DICTIONARY 1989-1993.p 223  
<http://www.aparat.com/v/sGjrN>